

■ میلسپو و نوسازی سامانه مالی و اداری در ایران

نورالدین نعمتی | مرتضی دهقان نژاد | مرتضی نورانی

■ چکیده

هدف: هدف از این پژوهش بررسی خدمات میلسپو در نوسازی سامانه مالی و اداری ایران بین سال های ۱۳۰۱ تا ۱۳۳۳ شمسی است. روش/ رویکرد پژوهش: در این تحقیق با استفاده از منابع کتابخانه ای و اسنادی به توصیف و تحلیل وقایع پرداخته شده است. یافته ها و نتایج: دولت ایران در دوره مختلف، آرتور میلسپو را به عنوان مستشار مالی برای بهبود اوضاع مالی و اداری استخدام کرد. در دوره اول (۱۳۰۱-۱۳۰۶ ش.) مجلس چهارم شورای ملی اختیارات گسترده ای را به او داد و او هم با بهره گیری از شرایط جهانی و انقلاب در روسیه و حمایت رضاخان که نظم و امنیتی در داخل برقرار کرده بود، کار خود را شروع کرد. میلسپو توانست ساختار مالی و اداری را بر اساس اصول علمی استوار کرده، با تنظیم لایحه بودجه، تعادلی در نظام درآمد و هزینه های دولت به وجود آورد؛ اما رضا شاه در دوران سلطنت خود (۱۳۰۴-۱۳۲۰ ش.) اقدامات میلسپو را تحمل نکرد و موانعی برایش ایجاد نمود تا اینکه، او مجبور به ترک ایران شد. میلسپو در دوره دوم حضور خود در ایران (۱۳۲۱-۱۳۳۳ ش.) با اختیارات گسترده ای که مجلس سیزدهم شورای ملی به او تفویض کرد، به استخدام دولت ایران درآمد، اما در این دوره برنامه های وی برای مهار تورم و تامین مایحتاج ضروری مردم به دلیل حضور نیروهای اشغال گر (شوروی، انگلیس) و عدم شناخت کافی از تحولات جامعه ایران با موفقیت همراه نشد، حتی عملکرد و اقدامات او نارضایتی عامه را برانگیخت، تا این که او در برابر انتقادات مطبوعات و نمایندگان مجلس نتوانست پاسخگو باشد. در پی لغو اختیاراتش از سوی مجلس چهاردهم شورای ملی، ایران را ترک کرد.

کلیدواژه ها

میلسپو/سامانه مالی و اداری/نوسازی/دگرگونی/مستشار مالی

تحقیقات تاریخی

فصلنامه گنجینه اسناد: سال بیستم و چهارم، دفتر اول، (بهار ۱۳۹۳)، ۹۶-۸۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۸/۱۷ ■ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۲/۲۷

میلسپو و نوسازی سامانه مالی و اداری در ایران

نورالدین نعمتی^۱ | مرتضی دهقان نژاد^۲ | مرتضی نورائی^۳

مقدمه

در قرن نوزدهم، کشور ایران، با داشتن موقعیت ژئواستراتژیک در همسایگی روسیه و هندوستان (مستعمره انگلیس) به صحنه رقابت کشورهای قدرتمند اروپایی تبدیل شد و در پی قدرت گرفتن آلمان، کشورهای روس و انگلیس با انعقاد قرارداد ۱۹۰۷، درباره تقسیم حوزه‌های تحت نفوذ خود در آسیا به توافق رسیدند.

کشور ایران، با وقوع انقلاب روسیه در ۱۹۱۷، از خطر تجزیه نجات یافت و انگلیسی‌ها نیز در پی مخالفت‌های داخلی و خارجی نتوانستند قرارداد ۱۹۱۹ را عملی کنند. از طرفی، دولتمردان ایران نیز با استمرار اندیشه و بهره‌گیری از نیروی سوم، قصد درگیر ساختن ایالات متحده را در امور ایران داشتند. اما امریکایی‌ها تحت تأثیر راهبرد انزواطلبی، در صدد درگیر شدن با اروپایی‌ها در مسائل جهانی نبودند؛ اگرچه آرتور میلسپو در مأموریت نخست خود (۱۳۰۱-۱۳۰۶ ش.) با اصلاحاتی که در سامانه‌های مالی و اداری انجام داد، زمینه‌های گسترش نفوذ امریکا را در امور ایران فراهم کرد.

امریکایی‌ها، در طول جنگ دوم جهانی راهبرد خود را تغییر داده، سیاست فعالی در امور جهانی در پیش گرفتند و دولتمردان ایرانی با اشغال ایران از سوی متفقین و احتمال توافق آنها درباره مسائل ایران، با استخدام مستشاران مالی و نظامی از ایالات متحده در صدد مقابله با آنها برآمدند.

در دوره نخست‌وزیری قوام‌السلطنه، لایحه استخدام میلسپو، با اختیارات گسترده

۱. استادیار تاریخ دانشگاه تهران، تهران، ایران

(نویسنده مسئول)

n.nemati@ut.ac.ir

۲. دانشیار گروه تاریخ

دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

mdehqannejad@yahoo.com

۳. استاد تاریخ

دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

mortezanouraei@yahoo.com



برای اداره امور مالی، از تصویب مجلس سیزدهم شورای ملی گذشت. وی، در مأموریت دومش (۱۳۲۱-۱۳۲۳ ش.) نتوانست انتظارات مردم، دولت، و مجلس را جهت مقابله با مشکلات مالی و اقتصادی برآورده کند و در پی لغو اختیاراتش از سوی مجلس چهاردهم مجبور به ترک ایران شد، اما روند نفوذ ایالات متحده در امور ایران گسترش بیشتری یافت.

مأموریت اول آرتور میلسپور در ایران

با اولتیماتوم روسیه و حمایت انگلیسی‌ها از آن، مورگان شوستر مجبور به ترک ایران شد. موناورد بلژیکی که مورد حمایت روس‌ها بود، با همان اختیاراتی که مجلس دوم به شوستر داده بود، رئیس کل مالیه ایران شد (افشار یزدی، ۱۳۵۸، ص ۱۴۸).

با انحلال مجلس دوم و شروع دوران فترت مجلس و نفوذ سفارتخانه‌های روس و انگلیس در هیئت حاکمه، ملیون و آزادیخواهان در مقابل تحمیلات موناورد بر مالیه کشور نتوانستند واکنشی نشان دهند. موناورد از چنین شرایطی بهره برد و اوضاع مالی ایران برای خدمت به روس و انگلیس به دوره پیش از شوستر برگشت. با شروع جنگ جهانی اول (۱۹۱۴-۱۹۱۸)، موناورد، از ریاست مالیه ایران برکنار شد (رضازاده ملک، ۱۳۵۰، ص ۳۱۶) در جنگ جهانی اول، ایران بی‌طرفی خود را اعلام کرد. کشورهای درگیر جنگ، برای حفظ منافع خود، ایران را اشغال کرده و ایران صحنه نبرد نیروهای آنها شد (Hamilton 1987, p.16). دولت ایران، برای حفظ بی‌طرفی در جنگ و تحقق این خواسته، از کاردار خود در واشنگتن خواست؛ اما دولت امریکا در شرایطی نبود که بتواند اقدام مساعدی در جهت خواسته ایران انجام دهد (یسلسون، ۱۳۸۳، صص ۱۸۷-۱۹۴).

در جنگ جهانی اول، با سقوط حکومت تزاری روسیه در ۱۹۱۷/ش و ورود آمریکایی‌ها به جنگ، کشورهای محور (آلمان، اتریش، مجارستان، و ایتالیا) شکست خوردند (عین السلطنه، ۱۳۷۸، صص ۴۶۸۸-۴۶۸۹).

با سقوط رژیم تزاری در روسیه، آنها، به‌طور موقت، از صحنه سیاسی ایران کنار رفتند. انگلیسی‌ها، که ایران را از حضور رقیب خالی یافتند با دولت و ثوق‌الدوله قرارداد ۱۹۱۹ را به امضا رساندند که طبق آن اداره مالیه و ارتش به دست آنها افتاد (زرگر، ۱۳۷۲، ص ۵۴).

در پایان جنگ جهانی اول، دولت ایران، با حمایت دولت امریکا می‌خواست نمایندگانی به کنفرانس صلح ورسای بفرستد تا خواسته‌هایش را به اطلاع دولت‌های فاتح برساند. وزیر خارجه امریکا چندین بار مسئله حضور نمایندگان ایران در کنفرانس را مطرح کرد؛ ولی هر بار با مخالفت نمایندگان دولت انگلیس روبه‌رو شد و نمایندگان ایران نتوانستند به کنفرانس صلح ورسای راه پیدا کنند و خواسته‌های خود را مطرح کنند (عامری، ۱۳۳۰، ص ۲۶۶).



در پایان جنگ جهانی اول و با افشای قرارداد ۱۹۱۹ بین دولت ایران و انگلیس از طرف منابع خارجی، دولت آمریکا به وسیله سفیر خود در ایران، جان کالدول^۱، مخالفت خود را با قرارداد مذکور بیان داشتند (طیرانی، ۱۳۷۹، ص ۱۱). مطبوعات وابسته به دولت ایران و حتی سفارت انگلیس چنین وانمود می کردند، که دولت آمریکا در جریان قرارداد ۱۹۱۹ قرار گرفته و با آن موافق است. وزیر امور خارجه آمریکا، لانسینگ، به کالدول، سفیر آن کشور در تهران، دستور داد طی بیانیه ای رسمی، مخالفت رسمی دولت آمریکا با قرارداد ۱۹۱۹ را در اختیار مطبوعات ایران قرار دهد (یسلسون، ۱۳۸۳، ص ۲۲۵). آمریکایی ها، در طول جنگ جهانی اول، به اهمیت استراتژیک ایران در منطقه خاورمیانه، و ذخایر عظیم نفتی پی برده بودند و قرارداد مذکور را مانع حضور و نفوذ خود در ایران می دانستند (شیخ الاسلامی، ۱۳۶۵، ص ۸۳). واکنش شدید دولت آمریکا در مخالفت با قرارداد ۱۹۱۹، تفاوت آشکار دیپلماسی آن کشور در مورد ایران را نشان می دهد. با خروج نیروهای شوروی از شمال ایران، آمریکایی ها در صدد کسب امتیاز نفت شمال ایران برآمدند. این منافع، برای آمریکا آنقدر ارزش داشت که به مخالفت با انگلیس یا شوروی بپردازند.

سرانجام، مبارزات مردم ایران و مخالفت های دولت های آمریکا، شوروی، و فرانسه باعث شد که قرارداد ۱۹۱۹ بین ایران و انگلیس عملی نشود و از طرف دولت ایران لغو گردد. قوام السلطنه، نخست وزیر، در ۱۳۰۰ ش. برای اصلاح امور مالی به فکر استخدام مستشار مالی از آمریکا افتاد و لایحه استخدام مستشاران را تقدیم مجلس کرد (مکی، ۱۳۷۴، ص ۴۳۶) و مجلس دوره چهارم شورای ملی، در چهارم مرداد ۱۳۰۱، لایحه استخدام میلسپو را به مدت ۵ سال تصویب کرد (مذاکرات مجلس چهارم، ۱۳۰۰، ص ۴۳۷).

اوضاع مالی و اداری ایران پس از جنگ

در جریان جنگ جهانی اول، اوضاع مالی و اقتصادی ایران بسیار آشفته بود. ایران صحنه نبرد نیروهای روسیه و عثمانی قرار گرفت و در جنوب کشور ایلات و عشایر به تحریک آلمانی ها علیه انگلیسی ها وارد نبرد شدند و کشور ایران به وسیله متفقین اشغال شد. به واسطه جنگ، امور مالی و اقتصادی از هم گسیخت، تجارت قطع شد، و مالیات ایلات و ولایات غیر قابل وصول بود (میلسپو، ۱۳۵۶، ص ۷۱). در این دوره، مجلس شورای ملی تعطیل شد. هیئت وزیران تحت نفوذ انگلیسی ها و روس ها بودند. دولت های ایران در این دوره ضعیف و وابسته، برای اداره امور و تأمین بودجه، به اخذ وام از بانک شاهنشاهی و استقراضی متوسل شدند. پیش از استخدام میلسپو، دولت توانایی پرداخت حقوق کارکنان خود را نداشت و برای پرداخت حقوق کارکنان دولت، به آنها حوالجات

1. John Caldwell

مالی می داد که وصول آنها به دشواری صورت می گرفت.
اوضاع آشفته مالی، خزانه خالی، و عدم وصول مالیات در تمام مملکت باعث شد علاوه بر اوضاع مالی، اوضاع سیاسی هم افق روشنی نداشته باشد (مستوفی، ۱۳۷۸، ص ۵۲۷).
پس از اخراج شوستر، تا آمدن میلسپو، به مدت ۱۲ سال، به علت بالا بودن هزینه های مالی دولت، هیچ لایحه بودجه ای برای اداره امور مالی کشور تنظیم و اجرا نشده بود (میلسپو، ۱۳۵۶، ص ۸۱).

در چنین شرایطی، دولت ناکارآمد و حجیم در زمان نخست وزیری قوام السلطنه، برای رهایی از وضع موجود، لایحه استخدام مستشار مالی از دولت آمریکا را به مجلس شورای ملی ارسال کرد. این کشور، به دلیل پیشرفت های عملی و اقتصادی، موقعیت جغرافیایی (دوری از ایران)، و نداشتن سیاست استعماری می توانست نظام اداری و مالی ایران را متحول کند (میرزا صالح، ۱۳۸۴، ص ۷۵۸).

مجلس شورای ملی، لایحه استخدام میلسپو برای ریاست مالیه ایران را در مدت کمتر از سه روز به تصویب رساند. در این لایحه اختیارات زیر به میلسپو داده شد:

۱. تهیه و تنظیم لایحه بودجه که به امضای وزیر مالیه رسیده باشد؛
۲. اصلاح ساختار اداری وزارت مالیه و کلیه وزارتخانه هایی که از بودجه دولتی استفاده می کنند؛
۳. بازسازی نیروی انسانی تمامی وزارتخانه های دولتی؛
۴. افزایش درآمدهای دولتی و صرفه جویی در هزینه ها، تنظیم لوایح قانونی، و ارائه به مجلس شورای ملی جهت تصویب؛
۵. ارائه نظر کارشناسی در تمامی قراردادهایی که برای دولت بار مالی دارد؛
۶. شرکت در تمامی کمیسیون ها و مجامع بین المللی که برای کشور تعهدات مالی دارد به عنوان نماینده دولت بعد از وزیر مالیه و اعلام نظر در امور مالی؛
۷. انجام مطالعات لازم درباره دولت برای اصلاح امور تجاری و صنعتی به منظور افزایش درآمد و کاهش هزینه ها؛
۸. منع میلسپو از دخالت در امور مذهبی و سیاسی بر اساس قانون استخدامی؛
۹. منع میلسپو، از داشتن هرگونه شغل شخصی و مکاتبه با کلیه مأموران؛
۱۰. الزام میلسپو، بر اساس قانون استخدامی مصوب مجلس شورای ملی، به احترام و مراعات قانون ایران و اقتدار قانونی وزیران؛
۱۱. دولت، بدون تصویب وزیر مالیه و رئیس کل مالیه در هیچ زمینه ای تعهد مالی ننماید؛ و

۱۲. کلیه امور مالی برای تمامی وزارتخانه‌ها باید با دستور وزیر مالیه و رئیس کل مالیه انجام گیرد (صورت مذاکرات مجلس چهارم، ۱۳۰۱، صص ۴۳۲-۴۳۹).

اقدامات میلسپو

میلسپو، براساس قانون استخدامی و اختیاراتی که مجلس شورای ملی به وی داده بود کار نوسازی مالی و اداری ایران را آغاز کرد. وی، ابتدا خزانه‌داری کل را راه‌اندازی کرد که پس از شوستر تعطیل شده بود. تمامی درآمدها و هزینه‌ها براساس قانون در خزانه‌داری کل متمرکز شد. مالیات براساس قانون، به صورت عادلانه و از تمامی اقشار جامعه وصول می‌گردید. برای کارآمدی ادارات مالیه، اصلاحات اساسی به وجود آمد و متناسب با اوضاع خاص جغرافیایی و جمعیتی در مراکز ایالات، ادارات مالیه تأسیس شد. برای بهبود و اصلاح اوضاع کشاورزی ایران اقدامات مفیدی انجام گرفت. لایحه بودجه براساس درآمدها تنظیم و به تصویب مجلس رسید. با متعادل کردن درآمدها و هزینه‌ها نیاز به استقراض خارجی از بین رفت (میلسپو، ۱۳۵۶، صص ۸۰-۸۵). براساس اختیاراتی که مجلس شورای ملی برای بازسازی نیروی انسانی وزارتخانه‌ها به میلسپو داده بود، قانون استخدام و شرایط پیشرفت کارکنان اداری در چند ماده تنظیم و به صورت لایحه‌ای از سوی دولت به مجلس شورای ملی تقدیم شد و مورد تصویب قرار گرفت. نیروهای ناکارآمد از کار برکنار و نیروهای توانمند استخدام شدند. کلیه دریافت‌ها و پرداخت‌ها براساس قانون صورت می‌گرفت. اقدامات میلسپو باعث شد که تمام وزارتخانه‌ها و دوایر دولتی برای نخستین بار به قوانین مالی و اختصاصی خود برای دریافت بودجه و هزینه مراجعه کنند. در صورتی که قوانین مذکور قابلیت اجرایی نداشتند، برای اصلاح آن از سوی دولت لایحه‌ای تنظیم و جهت تصویب به مجلس شورای ملی تقدیم شد. اقدامات میلسپو باعث شد که اعتبار قوانین مصوب در کشور احیا شود. از مهم‌ترین قوانینی که در این دوره به تصویب مجلس رسید، قانون محاسبات عمومی بود. این قانون، در واقع دستورالعمل اساسی امور مالی کشور از تهیه بودجه تا تسویه حساب متصدیان مالیاتی را در برداشت. با ارائه لوایح اداری و مالیاتی از طرف میلسپو، اصلاحاتی در امور مالی و اداری کشور به عمل آمد.

اقدامات هیئت مالی آمریکا در مأموریت جدید خود با موفقیت همراه بود. یکی از مهم‌ترین عوامل موفقیت آن، اقتدار حکومت مرکزی در سراسر کشور بود. میلسپو، در دوره خدمت خود از شرایط مساعد امنیت داخلی، افزایش قدرت، و پشتیبانی نیروهای نظامی برخوردار بود. از لحاظ خارجی با انقلاب ۱۹۱۷ روسیه، مداخلات آن کشور در امور ایران برای مدتی از بین رفت. با خروج نیروهای اشغالگر از ایران، ایالات و عشایر



سرکوب شدند. با برقراری نظم و امنیت، درآمدهای دولت افزایش پیدا کرد. اصلاحات سیستم اداری و مالی ایران راه را برای ورود جوانان تحصیلکرده ایرانی باز کرد. آنها با علم و دانش، پشتکار و احساس مسئولیت ملی، باعث پیشرفت و ترقی کشور شدند. حمایت‌های وزیر جنگ، سردار سپه، از اقدامات میلسپو و همراهی دولت و مجلس شورای ملی شتاب بیشتری به بهبودی اوضاع مالی و اقتصادی کشور داد. اصلاحات مالی و اقتصادی میلسپو با مخالفت مالکان بزرگ و اعیان و اشراف روبه‌رو شد که حاضر به اجرای قوانین مالیاتی نبودند. بازسازی سامانه اداری و مالی و پیشرفت اقتصادی ایران باعث واکنش و مخالفت قدرت‌های خارجی (شوروی و انگلیس) گردید. رسیدن رضاخان به مقام پادشاهی و اختلال در امور اصلاحی میلسپو به وسیله وزیر مالیه، فیروز میرزا نصرت‌الدوله، باعث شد که به خدمات میلسپو در ایران خاتمه داده شود.

مأموریت دوم میلسپو در ایران

با اشغال ایران پس از شهریور ۱۳۲۰ و کم‌تجربگی شاه، براساس قانون اساسی، فعالیت احزاب سیاسی آغاز شد و در جریان فعالیت‌های آزاد احزاب و انتخاب نمایندگان، بدون دخالت و نظارت دولت، مجلس شورای ملی جایگاه خود را برای قانون‌گذاری و نظارت بر دولت به دست آورد. رقابت‌ها و دسته‌بندی‌های سیاسی باعث کم‌دوامی کابینه‌ها شد. حضور نیروهای اشغالگر و تأمین هزینه آنها، اوضاع مالی و اقتصادی کشور را با بحران روبه‌رو کرد. سیاستمداران ایرانی برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور و تجربه قراردادهای ۱۹۰۷، ۱۹۱۵، ۱۹۱۹، سعی کردند با جلب حمایت نیروی سومی از یک کشور قدرتمند، استقلال و تمامیت ارضی ایران را حفظ کنند (Perkins, 1954, pp. 190-193).
قوام‌السلطنه، نخست‌وزیر، به این فکر افتاد با استخدام مستشاران نظامی و مالی از دولت آمریکا آنها را به‌عنوان نیروی سوم در مسائل ایران درگیر کنند. دولت، لایحه استخدام میلسپو را به‌عنوان مستشار مالی به مجلس شورای ملی تقدیم کرد (لنزوسکی، ۱۳۵۳، ص ۲۹۳). مجلس سیزدهم در جلسه ۱۰۸ به تاریخ ۱ آبان ۱۳۲۱، با استخدام میلسپو موافقت کرد (صورت مذاکرات مجلس سیزدهم، جلسه ۱، صص ۲۶-۱۰۸). در لایحه استخدامی، اختیارات گسترده‌ای به میلسپو داده شد. در این لایحه، رئیس کل مالیه در تنظیم بودجه کل کشور، تجدید سازمان وزارت دارایی و سایر دوایر دولتی که از بودجه عمومی استفاده می‌کنند، ترفیع و تنزل رتبه کارمندان، انتقال یا اخراج از کار کارکنان دولت، شرکت در جلسات هیئت دولت، و کلیه تعهدات مالی دولت باید با تأیید رئیس کل دارایی باشد. استخدام مستشاران خارجی نیز به هر تعدادی که صلاح بداند از اختیارات

مصوب مجلس سیزدهم به میلسپو بود (صورت مذاکرات مجلس سیزدهم، ۲۸ و ۲۹). این اختیارات با اصول ۸ و ۹ و ۱۱ قانون اساسی مغایرت داشت. به استناد مصوبه مجلس شورای ملی، رئیس کل مالیه اختیاراتی فراتر از مجلس و دولت داشت و تا وی تأیید، تصویب، امضاء ننماید و مورد مشورت واقع نشود قوه مجریه و مقننه نمی توانستند در مسائل مالی تصمیم گیری کنند. رئیس کل مالیه در محدوده کاری خود نه مورد ارزیابی قرار می گرفت و نه در مقابل دولت و مجلس پاسخگو بود. میلسپو، در بهمن ۱۳۲۱ برای بار دوم، به منظور اصلاح اوضاع مالی و اقتصادی وارد تهران شد (روزنامه کیهان، ۱۳۲۱/۱۱/۱۰، ص ۴).

اوضاع مالی ایران

با اشغال ایران توسط نیروهای نظامی شوروی و انگلیس و تأمین احتیاجات آنها، اوضاع مالی و اقتصادی کشور نابسامان شد.

اوضاع آشفته اقتصادی در زمینه کنترل و تثبیت قیمت ها، زندگی را برای مردم دشوار کرد. احتکار، سفته بازی، گران فروشی، و هزینه بالای حمل و نقل کالا، باعث افزایش قیمت کالا و خدمات شد (روزنامه کیهان، ۲۲ بهمن ۱۳۲۱، ص ۳). میلسپو، در نخستین گزارش سه ماهه خود در بهمن ۱۳۲۱، اوضاع نابسامان اقتصادی کشور را در نتیجه کوتاهی دولت در جمع آوری غلات، عدم توزیع به موقع کالا، و اقدامات محتکران دانست. میلسپو، همچنین اعلام کرد که دولت با افزایش هزینه ها و کسر بودجه و افزایش نقدینگی در گردش نتوانسته است به تعهدات مالی خود به کارکنان عمل کند و باعث ناکارآمدی بخش های اداری شده است (روزنامه اطلاعات، ۲۰ فروردین ۱۳۲۲، ص ۲). میلسپو برای اصلاح اوضاع مالی، اداری، و اقتصادی دولت، لایحه ای تنظیم و به مجلس شورای ملی ارسال کرد. مجلس شورای ملی این لایحه را در ۱۳ اردیبهشت ۱۳۲۲ تصویب کرد. براساس این لایحه، مجلس به دولت اجازه تثبیت و تنزل قیمت ها، اجناس غیر خوارباری، کلیه مواد خام، صادرات و واردات اجناس، شیوه حمل و نقل و توزیع کالا، دستمزد کلیه خدمات، تأسیس اداره نظارت و کنترل قیمت ها، دریافت وام، و استخدام کارشناسان امور مالی و اقتصادی از آمریکا تحت مدیریت میلسپو درآمد (صورت مذاکرات مجلس سیزدهم، جلسه ۱، ۲۰-۱۵۵). با این اختیارات گسترده، تمامی ساختار اداری و مالی کشور تحت نظارت و کنترل میلسپو درآمد تا بتواند اوضاع اقتصادی کشور را سروسامان دهد (کرمانی، ۱۳۲۹، ج ۲، ص ۴۲۵).

با افزایش اختیارات میلسپو، وی لایحه استخدام ۶۰ نفر مستشار مالی را به مجلس شورای ملی تقدیم کرد. پس از تصویب این لایحه، میلسپو، آمریکایی ها را به مقامات مهم

در وزارت دارایی منصوب کرد. اللهیار صالح، وزیر دارایی، که توان مقابله با اقدامات میلسپو را نداشت از مقام خود استعفا داد و میلسپو این استعفا را ناشی از مقتضیات سیاسی و اداری و از سر بی حوصلگی دانست (Millsbaugh, 1946, p. 93).

مطبوعات، اختیارات فراتر از قانون به میلسپو را مورد انتقاد قرار دادند (روزنامه مهر/ایران، ۲۵ اسفند ۱۳۲۱، ص ۱) و اجازه قانون‌گذاری از سوی مجلس شورای ملی به میلسپو را برخلاف قانون اساسی و بدعتی فراقانونی دانستند (روزنامه کوشش، ۱۶ اسفند، ۱۳۲۱، ص ۱۰؛ روزنامه سعادت بشر، ۲۶ اسفند، ۱۳۲۱، ص ۱). این در حالی بود که برخی دیگر، اعطای اختیارات گسترده به میلسپو را با حسن نیت برای بهبود اوضاع مالی و اقتصادی کشور تلقی می‌کردند (روزنامه ستاره ایران، ۲۷ اسفندماه، ۱۳۲۱؛ روزنامه نوبهار، ۱۵ فروردین‌ماه، ۱۳۲۲، ص ۲).

سامانه اداری و مالی

نیروهای متفق (شوروی و انگلیس) برای کنترل کامل بر راه‌های ارسالی مواد و تجهیزات جنگی به شوروی و جلوگیری از شورش ایلات و عشایر به تداوم حضور نیروهای خود در ایران ادامه دادند و این مسئله باعث آشفتگی اوضاع اقتصادی، ناامنی، و تورم شد (Millsbaugh, 1946, p. 5). با ورود میلسپو (۹ بهمن ۱۳۲۱) به ایران، وزارت دارایی در بخش اداری حجیم و ناکارآمد بود.

وزارت دارایی، در بخش اداری، به ۳۴ واحد مجزا و در ۱۵ ساختمان در سطح شهر تهران پراکنده بود. نظارت بر کار تمامی بخش‌ها با گستردگی در سطح شهر عملاً امکان‌پذیر نبود. در استان‌ها، شعبه‌های وزارت دارایی، به‌طور مستقل با بخش‌هایی از وزارتخانه در ارتباط بودند. سامانه اداری وزارت دارایی برای انجام کارها با تشریفات غیرضروری و بوروکراسی شدید روبه‌رو بود. کارهای اداری، در مدت زمان طولانی و با وقفه انجام می‌گرفت (Millsbaugh, 1946, p. 56). نیروی انسانی وزارت دارایی را می‌توان در چهار دسته تقسیم‌بندی کرد. نخست، کارکنان صادقی که خواهان توسعه و پیشرفت کشور بودند و با همکاری با مستشاران امریکایی جهت پیشبرد اهداف اداری تلاش می‌کردند. دوم، کارمندانی که باور داشتند از توان مدیریتی برای اصلاح و بهبود اوضاع اداری برخوردار هستند و نیاز به مستشار خارجی در وزارت دارایی نیست و با آنها مخالف بودند (کمام، ۲۴۵۹۸). سوم، کارمندانی که نه براساس تخصص، بلکه بر مبنای زدوبند سیاسی در وزارت دارایی مشغول خدمت بود و حقوق بالایی دریافت می‌کردند. دسته چهارم، کارمندانی که تخصص و توانایی لازم جهت انجام وظایف محوله اداری نداشتند



و با هرگونه تغییر و تحول در امور اداری مخالف بودند. میلسپو، برای پیشرفت کارها ضرورت تغییر و تحول در سامانه اداری وزارت دارایی را درک کرده بود (بیل، ۱۳۷۱، ص ۳۵). میلسپو، با تنظیم لایحه‌ای و ارسال آن از طرف دولت به مجلس شورای ملی خواستار اصلاح امور مالی و اقتصادی شد. مجلس شورای ملی در ۱۳ اردیبهشت ۱۳۲۱ آن لایحه را تصویب کرد (صورت مذاکرات مجلس سیزدهم، جلسه، ۱۵۵، ص ۲۰).

میلسپو، برای اصلاحات در دستگاه اداری، براساس نیاز و سهولت انجام کارها تغییراتی در این وزارتخانه ایجاد کرد. برای پیشرفت کارهای اداری و مقابله با بوروکراسی، تعدادی از بخش‌های اداری را در هم ادغام و آنها را در یکجا متمرکز ساخت. او به بازسازی نیروی انسانی، جهت توانمندی دستگاه اداری و کاهش هزینه‌ها پرداخت (Millsbaugh, 1946, p. 57).

پی‌آمدهای اقتصادی اشغال ایران ویران‌کننده بود. دولت ایران، برای تأمین نیازهای متفقین، منابع اقتصادی کشور را در اختیار آنها گذاشت. آنها با کاهش ارزش پول ایران و افزایش حجم نقدینگی، اوضاع اقتصادی کشور را دچار بحران کرده و امور مالی دولت، چهره‌مآیوس‌کننده‌ای داشت (کاتوزیان، ۱۳۷۲، ص ۱۸۷). براساس ترازنامه و گزارش بانک ملی، تورم نسبت به سال پایه ۱۳۱۵ ش. در پایان سال ۱۳۲۱، حدود ۷۷۸ درصد رشد داشت که بالاترین میزان تورم در سطح جهانی بوده است (جامی، ۱۳۶۱، ص ۱۷۲). دولت با بحران مالی روبه‌رو بود، هزینه‌ها بیشتر از درآمد و کسر بودجه با استقراض از بانک ملی و افزایش نقدینگی منجر به افزایش تورم شد (Millsbaugh, 1946, p. 57). میلسپو، برای اصلاح اوضاع مالی و اقتصادی و غلبه بر مشکلات کارهای مهمی در زمینه‌های افزایش مالیات، نظارت بر قیمت‌ها، بازسازی نیروی انسانی وزارتخانه‌ها، سهمیه‌بندی کالاهای اساسی، فروش طلا و نقره در بازار آزاد، استقراض از بانک ملی انجام داد و صادرات مواد غذایی را ممنوع و واردات را به کالاهای ضروری محدود کرد (الکساندر ناز، ۱۳۷۸، ص ۱۷۹؛ آوری، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۲۳۳).

میلسپو، برای غلبه بر مشکلات اقتصادی معتقد بود تعداد بیشتری مستشار از آمریکا استخدام شود. چنان‌که گذشت دو لایحه از طرف دولت، یکی مبنی بر استخدام ۶۰ کارشناس مالی از آمریکا، و دیگری لایحه مالیات بر درآمد به مجلس تقدیم شد. در بررسی لایحه مالیات بر درآمد، چون به ضرر تجار و مالکان بود و تعداد آنها در مجلس سیزدهم شورای ملی زیاد بود، تعلل شد. میلسپو برای تصویب لایحه استخدام ۶۰ مستشار آمریکایی با سفیر آمریکا در تهران مکاتبه کرد. وی در ملاقات با شاه و نخست‌وزیر حمایت آنها را جلب کرد و مجلس به دولت اجازه داد تا ۶۰ نفر مستشار مالی آمریکایی را بدون مراجعه مجدد به مجلس استخدام کند (Millsbaugh, 1946, p. 107). لایحه مالیات بر درآمد

به صورت تصاعدی از ۳ درصد تا ۸۰ درصد براساس درآمد پیش‌بینی شده بود. این لایحه، وقتی به مجلس ارسال شد، تحت فشار مالکان، تجار، اشراف، و سرمایه‌داران چند ماه در کمیسیون‌های مربوط معطل ماند. افکار عمومی و مطبوعات خواستار تصویب این لایحه شدند. با تهدید به استعفای میلسپو و فشار سفیر آمریکا به دولت، سرانجام این لایحه پس از بازنگری به نفع سرمایه‌داران در ۱۹ آبان ۱۳۲۲ به تصویب مجلس رسید (کیان‌فر، ۱۳۲۸، ص ۱۷۶). در عمل، هیچ‌گاه از متمولین و سرمایه‌دارای بزرگ مالیات هشتاد درصدی گرفته نشد و در عمل نگذاشتند که این لایحه به مرحله اجرا درآید (کیان‌فر، ۱۳۲۸، ص ۱۷۶).

گسترش همکاری

آمریکایی‌ها در جنگ جهانی دوم، عملیات کمک‌رسانی مواد و تجهیزات جنگی به شوروی از طریق ایران را برعهده گرفتند و فرماندهی خلیج فارس را در ایران تشکیل دادند (Spainer, 1977, p.30). دیپلمات‌ها و کارشناسان نظامی آمریکا به موقعیت استراتژیک و ژئوآرژری آگاهی یافتند و دورنمای منافع آمریکایی‌ها در ایران نمایان شد. سیاستمداران ایرانی، با استراتژی نیروی سوم و علاقه‌مندی آمریکایی‌ها به مسائل ایران، اعطای امتیاز نفت را به شرکت‌های آمریکایی مورد توجه قرار دادند (ذوقی، ۱۳۸۰، ص ۱۶). در دوره نخست‌وزیری ساعد، پس از مشاوره با میلسپو که اداره امور مالی و اقتصادی کشور در دست او بود، از دو کارشناس نفتی آمریکایی به نام‌های ای. ای. کرتیس، و هربرت هوور، برای انجام مطالعاتی درباره تعیین میزان ذخایر نفتی در سراسر کشور دعوت کرد تا دولت ایران درباره واگذاری امتیاز نفت شرق با شرکت‌های آمریکایی به مذاکره بپردازد (شوادران، ۱۳۵۲، ص ۵۶).

در مجلس شورای ملی دوره چهاردهم، نمایندگان، از دولت درباره حضور کارشناسان نفتی آمریکایی در ایران سؤال کردند. دولت، اقدامات انجام شده را جنبه مطالعاتی اعلام کرد و اعلام شد پیش از هرگونه تصمیم نظر نمایندگان جلب خواهد شد (فاتح، ۱۳۵۸، ص ۳۵۴). شوروی‌ها که از اهداف آمریکا و انگلیس برای کسب امتیازات نفتی آگاه شدند، با اعزام هیئتی به ریاست کافتارادزه، معاون وزارت خارجه آن کشور، خواستار نفت شمال ایران شدند (علم، ۱۳۷۱، ص ۸۴).

دولت ساعد، در ۲۷ مهر ۱۳۲۳، مقرر کرد موضوع واگذاری امتیاز نفت تا پایان جنگ جهانی دوم مسکوت گذارده شود. حزب توده، در داخل و بیرون مجلس، برای واگذاری امتیاز نفت شمال به شوروی موضع‌گیری کرد. ارتش شوروی در خیابان‌های تهران رژه رفت، کافتارادزه اعلام کرد همکاری بین مقامات شوروی و دولت ساعد به پایان رسیده است (Millsbaugh, 1946, p. 189).



ساعده، در ۱۹ آبان ۱۳۲۳، مجبور به استعفا شد. پس از وی مرتضی قلی بیات، به عنوان نخست وزیر کابینه خود را تشکیل داد. مجلس شورای ملی، بنا به پیشنهاد مصدق، در ۱۱ آذر ۱۳۲۳، طرح مبنی بر عدم واگذاری امتیاز به هیچ کشوری توسط دولت از تصویب مجلس گذشت. کافتارادزه، پس از دوماه اقامت برای کسب امتیاز نفت شمال، بدون کسب نتیجه مثبت به مسکو برگشت (ذوقی، ۱۳۶۸، ص ۲۲۲).

پیش از ترک تهران، کافتارادزه، در دیدار با بیات، نخست وزیر، این طرح مجلس شورای ملی را اشتباه بزرگ سیاسی ذکر کرد که عواقب ناگواری برای ایران در بر خواهد داشت. وی، این طرح مجلس شورای ملی را مغایر با امتیاز نفت جنوب به انگلیسی ها دانست و آن را نوعی تبعیض آشکار نسبت به منافع شوروی در ایران دانست (روزنامه ایران، ۱۴ آبان ۱۳۲۳، ص ۱).

مخالفت

مجلس چهاردهم، در فروردین ۱۳۲۳، کار خود را آغاز کرد. در ابتدا، نمایندگان مجلس با اختیارات گسترده ای که مجلس دوره سیزدهم به مستشاران آمریکایی داده بود و مغایر قانون اساسی بود به مخالفت پرداختند (سفری، ۱۳۷۱، صص ۱۰۵-۱۲۰). مجلسیون معتقد بودند با اختیارات گسترده ای که میلسپو داشته برای اصلاحات اداری و مالی و اقتصادی، ابتکاری برای مهار تورم و تأمین کالاهای ضروری مردم نداشته است. مدیریت ناکارآمد وی باعث رقابت قدرت های بزرگ برای کسب امتیاز نفت در ایران شد و این اقدام، استقلال و تمامیت ارضی ایران را به خطر انداخته است. میلسپو، با ارائه آمار غلط و به بهانه نداشتن پول، کمیته تقسیم اجناس خاورمیانه و سهمیه قماش ایران را حذف کرد (روزنامه رهبر، ۷ اردیبهشت ۱۳۲۳، ص ۵). در مقابل انتقاد شدید مطبوعات و نمایندگان مجلس برای عدم دریافت سهمیه قماش و قند و شکر، کمیته تدارکات خاورمیانه پاسخ قانع کننده ای نداد (صورت مذاکرات مجلس چهاردهم، ۱۳۲۳، ص ۱۹۷، روزنامه مهر ایران، ۱۹ مرداد ۱۳۲۳، ص ۱؛ و روزنامه عصر اقتصاد، ۲۵ تیر ۱۳۲۳، ص ۲). میلسپو، با تصمیمات غیرکارشناسی در مورد حمل و نقل غلات، باعث بحران نان در تهران و تبریز شد (صورت مذاکرات مجلس چهاردهم، ۱۳۲۳، ص ۱۹۷). میلسپو معتقد بود با کاهش بودجه نیروهای نظامی و اجرای طرح بازسازی نیروی انسانی در مورد آنها، دولت می تواند بخش های کشاورزی، فرهنگ، و بهداری را تقویت کرده و زمینه های توسعه و پیشرفت را در ایران فراهم کند (روزنامه رعد امروز، ۱۸ مرداد ۱۳۲۳، ص ۳).

شکست

میلسپو، برای اصلاح اوضاع آشفته مالی، مسئله حمل و نقل، غله، و توزیع مواد غذایی،



تقاضای وضع قانون برای استخدام بیشتر مستشاران مالی، دریافت مالیات تصاعدی از سرمایه‌داران برای جلوگیری از افزایش تورم و تقسیم عادلانه ثروت را پیشنهاد کرد. مجلس شورای ملی، لوایح پیشنهاد میلپو را تصویب کرد. اقدامات میلپو، برای مهار تورم، با مخالفت‌ها و کارشکنی در داخل و خارج روبه‌رو شد. نمایندگان مجلس چهاردهم شورای ملی و مطبوعات، حمله و انتقاد از میلپو و همکارانش را که نتوانسته بودند امور مالی را سروسامان دهند و مانع افزایش تورم شوند، آغاز کردند (کرمانی، ۱۳۲۹، ج ۲، ص ۵۴۸). مخالفان اختیارات میلپو را فراتر از قانون اساسی می‌دانستند (ذوقی، ۱۳۶۸، ص ۱۷۱). در خارج از مجلس، محترکان، سودجویان، و گروه‌های وابسته به خارج، از طریق جلسات و روزنامه‌های وابسته به خود، از میلپو انتقاد می‌کردند. شواهد و مدارک موجود بیانگر آن است که میلپو نتوانست انتظارات دولت و ملت ایران را برای بهبود اوضاع اقتصادی و مالی کشور برآورده کند. دولت آمریکا مجبور بود با متفقین خود - شوروی و انگلستان - در پیشبرد جنگ علیه آلمان همکاری کند. از طرف دیگر، هر دو دولت، به‌خصوص شوروی، از وجود این هیئت در ایران راضی نبودند. هیئت مستشار مالی آمریکا باید در خدمت دولت ایران باشد، ولی اقدامات آنها مورد حمایت سفارت آن کشور بود. آمریکایی‌ها می‌خواستند با همکاری انگلیس و شوروی اوضاع اقتصادی ایران را سروسامان دهند. این تفکر با سیاست دولت ایران که حضور آمریکا، به‌عنوان قدرتی بی‌طرف بتواند جلوی تجاوزات انگلیس و شوروی را بگیرد، مغایر بود. دولتمردان ایرانی، هدف اصلی حضور مستشاران آمریکایی را جلوگیری از نفوذ و قدرت شوروی‌ها و انگلیسی‌ها در ایران می‌دانستند نه اصلاحات وسیع مالی و اقتصادی آنها در ایران که باعث مخالفت گروه‌های داخلی و خارجی می‌شد (کمام، ۲۹۸۷). علاوه بر اینها، مهم‌ترین عامل شکست هیئت مالی آمریکا در ایران مجلس چهاردهم بود. عمال شوروی (حزب توده)، ملیون، مالکان بزرگ، و تجار، که اکثریت مجلس را تشکیل می‌دادند؛ با برنامه‌ها و اختیارات میلپو مخالف بودند و این افراد برای برکناری میلپو متحد شده بودند. شاید بتوان گفت برکناری میلپو شکستی برای طرفداران درگیر کردن نیروی سوم آمریکا در ایران محسوب می‌شد. چالش واگذاری امتیاز نفت شمال و مخالفت دولت و مجلس با واگذاری امتیاز نفت به شوروی‌ها، باعث شد دولت آن کشور این اقدام را توطئه آمریکایی‌ها قلمداد کند و در نتیجه برای شکست هیئت مستشار مالی آمریکا در ایران تلاش می‌کرد.

نتیجه‌گیری

دولتمردان ایرانی در قرن نوزدهم، از دخالت‌های فزاینده روس و انگلیس در امور داخلی به



ستوه آمده بودند و برای رهایی از وضع موجود اندیشه نیروی سوم را مطرح کردند. ولی این تفکر در عمل کارآیی نداشت.

در اوایل قرن بیستم، با قدرت یابی آلمان‌ها در صحنه جهانی، روس و انگلیس در پی قراردادهای ۱۹۰۷ و ۱۹۱۵، ایران را به حوزه‌های نفوذ بین خود تقسیم کردند. اما در پی انقلاب ۱۹۱۷ روسیه، رویکرد حاکمان جدید، مبنی بر لغو تمامی قراردادهایی که رژیم تزاری بر ایران تحمیل کرده بود، ایران را از خطر تجزیه نجات داد.

دولت ایالات متحده، ضمن مخالفت با سیاست‌های استعماری انگلیس (قرار داد ۱۹۱۹) با حمایت از حضور نمایندگان ایران در کنفرانس صلح ورسای، برای بیان خواسته‌های خود، زمینه مناسبی برای حضور بیشتر در افکار عمومی ایرانیان پیدا کرد. از طرفی، دولتمردان ایرانی نیز معتقد بودند ایالات متحده، به دلیل پیشرفت‌های اقتصادی، صنعتی، موقعیت جغرافیایی (دوری از ایران)، و نداشتن سیاست استعماری می‌تواند چتر حمایتی خوبی برای سامان دادن به اوضاع اقتصادی کشور باشد. همین امر باعث شد در دوره نخست وزیری قوام السلطنه لایحه استخدام میلسپو برای بازسازی سامانه اداری و مالی به مجلس شورای ملی تقدیم شود که پس از تصویب مجلس او به استخدام دولت ایران درآمد.

میلسپو، در دوره مأموریت نخست خود (۱۳۰۱-۱۳۰۶ ش.) با بهره‌مندی از شرایط بین‌المللی (عدم مداخله شوروی) و برقراری نظم و امنیت در داخل کشور از سوی رضاخان در دوره وزارت جنگ و نخست‌وزیری، توانست اصلاحات مهمی در ساختار وزارت مالیه و امور اداری کشور انجام دهد و دولت با اقدامات میلسپو توانست بین درآمدها و هزینه‌ها تعادلی برقرار کرده و از اتکا به وام کشورهای خارجی بی‌نیاز شود.

رضاخان با افزایش بودجه، توانست ارتش را نوسازی کرده وفاداری آنها را نسبت به خود جلب نماید و با کمک آنها مخالفان و رقیبان را کنار زده و تمامی ساختار قدرت را در دست گیرد. اما در دوران سلطنت خود، چون اقدامات میلسپو را مانع اقتدار خود در دوران سلطنت می‌دانست، با ایجاد موانعی در انجام کارهایش به دوره خدمت او در ایران پایان داد. در دوران حکومت رضاشاه (۱۳۰۴-۱۳۲۰)، روابط با آمریکا در پایین‌ترین سطح خود بود. با اشغال ایران از سوی متفقین (شوروی و انگلیس) و سقوط رضاشاه در شهریور ۱۳۲۰، ساختار قدرت دچار تغییر شد و دولت ایالت متحده برای ارسال مواد و تجهیزات جنگی به شوروی، نیروهای نظامی خود را در ایران مستقر کرد، زیرا آمریکایی‌ها با برتری اقتصادی و نظامی در سطح بین‌المللی، راهبرد انزوای خود را تغییر داده و سیاست فعالانه‌ای را در امور جهانی عهده دار شدند.

رهبران سیاسی ایران، با درک شرایط جهانی و اوضاع داخلی (احتمال توافق شوروی

و انگلیس برای تجزیه کشور به شمال و جنوب)، با استخدام مستشاران مالی و نظامی از آمریکا، توانستند آنها را در امور ایران درگیر نمایند. در چنین شرایطی، مجلس شورای ملی دوره سیزدهم، میلسپو را با اختیارات گسترده‌ای برای بهبود اقتصادی و مالی استخدام کرد. شواهد و مدارک موجود نشان می‌دهد که میلسپو در دوره دوم مأموریتش (۱۳۲۱ تا ۱۳۲۳ش) شناخت لازم را از تحولات جهانی و اوضاع داخلی کشور نداشت و با دعوت از کارشناسان نفتی آمریکا برای واگذاری امتیاز نفت، زمینه رقابت شوروی را در امور ایران فراهم کرد. آنها نیز با حضور نظامی در شمال کشور و حمایت از حزب توده، اهداف تزارها را در ایران پی گرفتند. اما در پی مخالفت دولت ایران با واگذاری امتیاز نفت شمال به شوروی، آنها بحران‌های جدیدی را در ایران به وجود آوردند.

کوتاه سخن اینکه، میلسپو نتوانست انتظارات دولت، مجلس، مطبوعات، و افکار عمومی را برای بهبود شرایط اقتصادی فراهم کند و مجلس چهاردهم با لغو اختیاراتش به دوره دوم خدمت او در مالیه پایان داد، اما نفوذ امریکایی‌ها در ایران همچنان استمرار یافت.

منابع

منابع اسنادی

سازمان اسناد ملی ایران

کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی

کتابخانه و مرکز اسناد وزارت خارجه ایران

روزنامه‌ها

روزنامه اطلاعات

روزنامه ایران

روزنامه باختر

روزنامه رعد

روزنامه رهبر

روزنامه ستاره ایران

روزنامه عصر اقتصاد

روزنامه کوشش

روزنامه کیهان

روزنامه نوبهار



کتابها

- آوری، پیترو (۱۳۵۰). *تاریخ معاصر ایران* (محمد رفیعی مهرآبادی، مترجم). تهران: انتشارات عطایی.
- افشار یزدی، محمود (۱۳۵۰). *سیاست اروپا در ایران* (ضیاء الدین دهشیری، مترجم). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- بیل، جیمز، آ (۱۳۷۱). *روابط نافرجام ایران و امریکا، شیر و عقاب*. تهران: فاخته.
- جامی (۱۳۶۱). *گذشته چراغ آینده است*. تهران: ققنوس.
- دولت آبادی، یحیی (۱۳۷۱). *حیات یحیی (ج ۶)*. تهران: عطار.
- ذوقی، ایرج (۱۳۶۸). *ایران و قدرتهای بزرگ در جنگ جهانی دوم جهانی*. تهران: پازنگ.
- رضازاده ملک، رحیم (۱۳۵۰). *تاریخ روابط ایران و ممالک متحده امریکا*. تهران: طهوری.
- زرگر، علی اصغر (۱۳۸۶). *تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در دوره رضاشاه*. بی نا، ۱۳۸۶.
- (۱۳۷۲). *تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در دوره رضاشاه* (کاوه بیات، مترجم). تهران: انتشارات پروین.
- سفری، محمدعلی (۱۳۷۱). *قلم و سیاست از استعفای رضاشاه تا سقوط مصدق*. تهران: نامک.
- شوادران، بنجامین (۱۳۵۲). *خاورمیانه و نفت قدرتهای بزرگ* (عبدالحسین شریفیان، مترجم). تهران: فرانکلین.
- شیخ الاسلامی، جواد (۱۳۶۸). *اسناد محرمانه وزارت خارجه بریتانیا درباره قرارداد ۱۹۱۹*. تهران: بهمن.
- طیرانی، بهروز (۱۳۷۹). *روز شمار روابط ایران و امریکا*. تهران: انتشارات وزارت خارجه.
- فیروز، نصرت الدوله (۱۳۸۱). *نصرت الدوله و میلسپو* (ناصرالدین پروین و محمدرسول دریاکشت، کوششگران). تهران: اساطیر.
- عامری، سلطان محمد (۱۳۳۰). *تاریخ کشورهای متحده امریکا*. تهران: تابان.
- علم، مصطفی (۱۳۷۱). *نفت، قدرت و اصول، ملی شدن نفت ایران و پیامدهای آن* (غلامحسین صالحیار، مترجم). تهران: انتشارات اطلاعات.
- عین السلطنه سالور (۱۳۷۸). *روزنامه خاطرات* (ایرج افشار و مسعود سالور، کوششگران). تهران: اساطیر.
- فاتح، مصطفی (۱۳۵۸). *پنجاه سال نفت ایران*. تهران: پیام.
- (۱۳۵۸). *پنجاه سال نفت ایران (ج ۲)*. تهران: انتشارات پیام.
- کاتوزیان، محمد علی (همایون) (۱۳۷۲). *اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان پهلوی* (محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، مترجمان). تهران: نشر مرکز.
- کرمانی، کوهی (۱۳۲۹). *از شهریور ۱۳۲۰ تا فاجعه آذربایجان و زنجان*. بی نا: انتشارات مظاهری.
- کیان فر، مهدی (۱۳۲۸). *سیاست امریکا در ایران*. تهران: علمی فرهنگی.
- مذاکرات مجلس شورای ملی دوره چهاردهم.
- مذاکرات مجلس شورای ملی دوره چهارم.

مذاکرات مجلس شورای ملی دوره سیزدهم.
مستوفی، عبدالله (۱۳۷۸). شرح زندگانی من، تاریخ اجتماعی دوره قاجار از کابینه قرارداد و ثوق الدوله تا
آخر مجلس موسسان (چ ۴). تهران: زوار.
مکی، حسین (۱۳۷۴). تاریخ بیست ساله ایران (چ ۵). تهران: علمی.
موجانی، سیدعلی (۱۳۸۲). گزیده اسناد روابط ایران و آمریکا (۱۸۵۱-۱۹۲۵ م). تهران: انتشارات وزارت خارجه.
میرزا صالح، غلامحسین (۱۳۸۴). توسعه سیاسی ایران در ورطه سیاست بین الملل. تهران: مازیار.
میلسپو، آرتور (۱۳۵۶). ماموریت آمریکا در ایران (حسین ابوترابیان، مترجم). تهران: پیام.
هروی بصیرالدوله، رضا (۱۳۷۲). دو سال روابط محرمانه احمدشاه با سفارت شوروی (مجید تفرشی، کوششگر).
تهران: نشر تاریخ.
یسلسون، آبراهام (۱۳۸۳). تاریخ روابط سیاسی ایران و آمریکا (۱۳۰۰-۱۳۴۰ ه.ق). (محمدباقرزاده، مترجم).
(چ ۲). تهران: امیرکبیر.
یونا، الکساندر؛ آلن، نانز (۱۳۷۸). تاریخ مستند روابط دو جانبه ایران و ایالات متحده آمریکا (سعیده لطفیان و
احمد صادقی، مترجمان). تهران: قومس.

Agwani, M. S.(1978). *Politics in the Gulf*. VIRAS: Publishing, Jawaharlal Nehru University.

Frey, Richard and Lewisn. Thomas(1971). *The unites states and Turkey and Iran*. Bythe president and fllovs Harvard college.

Hamilton Lytle, Mark(1987). *the Origins of the Iranian –American Alliance, 1941-1953*. Holmes and Meier, Publishers.

Millspaugh, Arturc(1946). *Americans in Persia*. Washington, D. C: The Brookings. Institution.

Perkins, Dexter(1954). *The American Approach to foreign policy*, Harvard: Harvard University, press.

Spanier, Tohn(1954). *American Foreign policy since World War II*, Prints in the united states of Americas.

